

[A Persian translation of the Riqvân message 2021 of the Universal House of Justice
to the Bahá'ís of the world]

ترجمه‌ای از

پیام بیت العدل اعظم خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۲۱ میلادی (۱۷۸ بدیع)

(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

آخرین کلمات یکی از خاطره‌انگیزترین فصول تاریخ امر الهی اکنون رقم خورده است و فصل جدیدی آغاز می‌گردد. رضوان امسال اختتام سالی خارق‌العاده از یک نقشه پنج‌ساله و از یک سلسله نقشه‌هایی است که از سال ۱۹۹۶ میلادی آغاز شد. سلسله جدیدی از نقشه‌ها با شروع دوازده ماه سرنوشت‌ساز در پیش است که خود طلیعه‌ای است برای یک مشروع نه‌ساله که از رضوان آینده آغاز می‌شود. این مشتاقان جامعه‌ای را می‌بینیم که به سرعت کسب نیرو نموده و آماده برداشتن گام‌های عظیمی به سوی آینده است. اما هیچگونه ابهامی نباید داشت که رسیدن به این مرحله چه کوشش و تلاشی را لازم بود و بینش‌های کسب شده در این راه چه همت و طاقتی را طالب: تجربیات آموخته شده آینده جامعه را شکل خواهد داد و شرح نحوه کسب آن تجربیات، مسیر آتیه را روشن می‌سازد.

دهه‌های قبل از سال ۱۹۹۶ با پیشرفت‌ها و بینش‌های غنی خود شکی باقی نگذاشته بود که جم غفیری از مردم در بسیاری از جوامع آماده دخول در ظلّ لوای امر الهی اند. با این حال موارد تسجیل افراد در مقیاسی وسیع گرچه امیدبخش بود ولی به فرایند رشدی پایدار که بتوان آن را در محیط‌های گوناگون اجرا نمود منجر نگشت. در آن زمان، جامعه با پرسش‌هایی عمیق مواجه بود که تجربه کافی برای پاسخگویی مناسب به آنها را نداشت. چگونه تلاش‌هایی که هدفش ترویج بود می‌تواند همگام با فرایند تحکیم پیش رود و چالش درازمدت و به ظاهر حل‌نشده‌ی رشد پایدار را حل نماید؟ چگونه می‌توان افراد، مؤسّسات و جوامع را چنان پرورش داد که قادر باشند تعالیم حضرت بهاءالله را به مرحله عمل درآورند؟ و چگونه ممکن است کسانی که مجذوب تعالیم الهی می‌گردند بتوانند عاملینی فعال در یک مشروع روحانی جهانی شوند؟

بدین ترتیب یک ربع قرن پیش، جامعه بهائی که هنوز از حضور سه نفر از حضرات ایادی امرالله در صفوف مقدم خود برخوردار بود نقشه‌ای چهارساله را آغاز نمود، نقشه‌ای که با تمرکز بر یک هدف واحد، از نقشه‌های قبلی متمایزگشت و البته آن هدف، پیشبرد قابل ملاحظه‌ای در فرایند دخول افواج بود. این هدف معرف و شاخص خط مشی یک سلسله نقشه‌های بعدی شد. جامعه در آن زمان به این مطلب واقف شده بود که مفهوم این فرایند فقط دخول گروه‌های معتابیهی از مردم به آیین الهی نیست و به خودی خود نیز پدیدار نخواهد شد بلکه مستلزم ترویج و تحکیمی هدفمند و سیستماتیک و با سرعتی دائم التزاید می‌باشد. توفیق در این مسیر نیازمند مشارکت آگاهانه تعداد زیادی از نفوس بود و در سال ۱۹۹۶ عالم بهائی فراخوانده شد تا عزم خود را برای پذیرفتن چالش آموزشی وسیعی که لازمه این هدف بود جزم نماید. از جامعه بهائی خواسته شد که شبکه‌ای از مؤسسات آموزشی تأسیس نماید که تمرکز بر آماده نمودن تعداد فزاینده‌ای از افراد با قابلیت لازم برای تداوم فرایند رشد باشد.

احباً این حرکت را با این آگاهی آغاز کردند که علیرغم توفیقات قبلی شان در میدان تبلیغ هنوز باید می‌آموختند که چه قابلیت‌هایی را کسب نمایند و از همه مهم‌تر اینکه آنها را چگونه کسب نمایند. جامعه از بسیاری جهات از طریق عمل یادگرفت و تجربیات آموخته شده پس از آنکه به مرور زمان با به کارگیری در محیط‌های گوناگون تلطیف شد نهایتاً در مواد آموزشی وارد شده و مورد استفاده قرار گرفت و معلوم شد که بعضی از فعالیت‌ها پاسخی است طبیعی به نیازهای روحانی یک جمعیت. حلقه‌های مطالعه، کلاس‌های کودکان، جلسات دعا، و متعاقباً گروه‌های نوجوانان حائز اهمیت اساسی گشت و وقتی با فعالیت‌های مربوطه ممزوج شد تحرک حاصله توانست سبب به وجود آمدن الگویی پویا از حیات جامعه شود. با افزایش تعداد شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های اساسی، بعد جدیدی به هدف اولیه آنها اضافه شد، یعنی این فعالیت‌ها به منزله مدخلی شد که از طریق آن جوانان، بزرگسالان و اعضای خانواده‌ها از اجتماع بزرگ می‌توانستند با ظهور حضرت بهاءالله آشنا شوند. همچنین درک بهتری از جوانب عملی اجرای استراتژی‌هایی برای فعالیت‌های جامعه‌سازی در چارچوب "محدوده جغرافیایی"، یعنی یک ناحیه مشخص با وسعتی قابل اداره و با ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی متمایز، به دست آمد. لذا پرورش قابلیت برای تهیه نقشه‌های ساده در سطح محدوده جغرافیایی آغاز گردید و در نتیجه چنین نقشه‌هایی برنامه‌های رشد که بعدها به صورت ادوار سه‌ماهه فعالیت تنظیم گردید به وجود آمد. نکته مهمی که از ابتدا آشکار گردید این بود که گذراندن دوره‌های متسلسل مؤسسه توسط افراد به حرکت محدوده‌های جغرافیایی در پیوستار رشد تحرک می‌بخشد و خود فرایند مؤسسه نیز از این طریق تداوم می‌یابد. این رابطه مکمل در همه جا به احباً کمک کرد که ویژگی‌های رشد را در محیط خود ارزیابی نموده مسیری به سوی توانایی بیشتر دنبال نمایند. به مرور زمان ثابت شد که اگر آنچه در محدوده جغرافیایی رخ می‌دهد هم از دیدگاه سه برنامه ضروری آموزشی یعنی خدمت به کودکان، نوجوانان، و جوانان و بزرگسالان، و هم از دیدگاه ادوار فعالیت که برای روند رشد لازم است،

مورد ملاحظه قرار گیرد چنین نگرشی مثمر ثمر خواهد بود. مدّت زیادی از آغاز این مجهودات بیست و پنج ساله نگذشته بود که بسیاری از خصوصیات قابل تشخیص فرایند رشد که امروز مشاهده می‌کنیم کاملاً شکل می‌گرفت.

با بیشتر شدن مساعی دوستان، اصول، مفاهیم و استراتژی‌های مختلف مرتبط با فرایند رشد به صورت چارچوبی برای عمل شروع به تبلور نمود که می‌توانست تکامل یافته، پذیرای عناصر جدید گردد. این چارچوب برای بروز تحرکی چشمگیر بسیار حائز اهمّیت بود و به احباً کمک نمود که نیروی خود را در مسیری جهت بخشند که تجربه نشان داده به رشد جوامع سالم منتهی می‌گردد. اما چارچوب یک فرمول نیست. هنگام بررسی واقعیت یک محدوده جغرافیایی، یک نقطه، یا صرفاً یک محله، با در نظر گرفتن عناصر متعدّد این چارچوب الگویی از فعالیت می‌توانست ایجاد شود که از آنچه بقیه عالم بهائی مشغول آموختن آن بود بهره‌گیر و در عین حال پاسخی به ویژگی‌های آن محل باشد. دوگانگی بین الزامات انعطاف‌ناپذیر از یک طرف، و تمایلات بی‌پایان شخصی از طرف دیگر، جای خود را به درکی ظریف و دقیق از راه‌های متعدّدی داد که افراد می‌توانستند این فرایند را حمایت نمایند، فرایندی که در اصل منسجم بوده با اندوختن تجربه مستمراً تلطیف می‌گردد. نباید در باره پیشرفتی که حاصل ظهور این چارچوب است تردید داشت، این چارچوب برای هماهنگ کردن و متحد ساختن مجهودات تمامی عالم بهائی و پیشبرد اقداماتش اهمّیتی عظیم در برداشت.

با اجرای نقشه‌ها یکی پس از دیگری و با وسعت یافتن اشتغال به فعالیت جامعه‌سازی، پیشرفت در سطح فرهنگ عمیق‌تر گردید. به عنوان مثال، اهمّیت تعلیم و تربیت نسل جوان‌تر و به خصوص استعداد خارق‌العاده نوجوانان در سطح وسیع تری مورد توجه قرار گرفت. همراهی و مساعدت نفوس نسبت به یکدیگر در طول یک مسیر مشترک و گسترش مستمرّ دایره حمایت متقابل، به الگویی برای تمامی تلاش‌ها در مسیر پرورش قابلیت برای خدمت تبدیل شد. با افزایش آگاهی نسبت به نیروی گفتگوهای هدمند برای متجلی ساختن استعدادهای روحانی، حتی تعاملات دوستان با یکدیگر و با اطرافیان‌شان تغییر یافت. و مهم آنکه جوامع بهائی بیش از پیش نگرشی برون‌گرا اتخاذ نمودند. هر نفس مشتاق به دیدگاه آیین بهائی می‌توانست شرکت‌کننده‌ای فعال باشد و حتی مروج و تسهیل‌گری برای فعالیت‌های آموزشی، جلسات دعا و سایر عناصر کار جامعه‌سازی شود، و از میان چنین نفوسی بسیاری نیز به حضرت بهاءالله ایمان می‌آوردند. بدین ترتیب مفهومی از فرایند دخول افواج نمایان شد که کمتر به تئوری و فرضیات و بیشتر به تجربه واقعی اتکا داشت، تجربه اینکه چگونه تعداد زیادی از مردم می‌توانند به امر الهی پی‌برند، با آن آشنا شوند، با اهداف آن هم‌سو شوند، به فعالیت‌ها و مشورت‌های پیروان آن پیوندند، و در بسیاری موارد آن را از صمیم قلب بپذیرند. با تقویت فرایند مؤسسه آموزشی در مناطق مختلف یکی بعد از دیگری تعداد افرادی که در فعالیت‌های نقشه شرکت داشتند به سرعت توسعه یافت و حتی کسانی را در بر گرفت که اخیراً با امر مبارک آشنا شده بودند. اما انگیزه این کار صرفاً افزایش تعداد نبود. بینشی از تقلیب هم‌زمان فردی و جمعی

مبتنی بر مطالعه کلام الهی و تشخیص قابلیت هر شخص برای مشارکت فعّالانه در یک فرایند عمیق روحانی، منجر به بروز حسّ مشارکت در یک کوشش جمعی شده بود.

یکی از چشمگیرترین و الهام‌بخش‌ترین ویژگی‌های این دوره بیست و پنج‌ساله خدمات جوانان بهائی است، جوانانی که با عمق ایمان و شهامت خویش جایگاه شایسته خود را در خطّ مقدّم مساعی جامعه احراز کرده‌اند. در مقام مبلغین امرالله و مربیان نسل جوان، راهنمایان سیّار حلقه‌های مطالعه و مهاجرین داخلی، و نیز به عنوان هماهنگ‌کنندگان مؤسسه آموزشی در محدوده جغرافیایی و اعضای نهادهای امری، جوانان در پنج قاره عالم برای خدمت به جوامع خود با خلوص و فداکاری قیام کرده‌اند. بلوغی که جوانان در انجام وظایفی که پیشرفت نقشه الهی به آن بستگی دارد از خود نشان داده‌اند نمایانگر شور و نشاط روحانی و تعهدشان به تضمین آینده نوع بشر است. در قبال این بلوغ آشکار روزافزون، تصمیم گرفته‌ایم که بلافاصله بعد از این رضوان، در حالی که سنّ فرد بهائی برای عضویت محفل روحانی کماکان بیست و یک سال باقی خواهد ماند، این سنّ برای ابدای رأی در انتخابات بهائی به هیجده سال تقلیل می‌یابد. جوانان بهائی در سراسر جهان که به این سنّ رسیده‌اند بدون شک اطمینان ما را به توانایی خود در ایفای این "وظیفه مقدّس" که هر منتخب بهائی به آن مأمور است "وجداناً و مجدّانه" به اثبات خواهند رساند.

*

بر این امر واقفیم که طبیعتاً واقعیت جوامع مختلف تفاوت‌های بسیار زیادی با یکدیگر دارند. جوامع ملی مختلف و مکان‌های مختلف در آن جوامع، زمانی که این سلسله نقشه‌ها را آغاز کردند در مراحل مختلفی از توسعه بودند و از آن زمان به بعد نیز با سرعت‌های مختلف توسعه یافته‌اند و به سطوح متفاوتی از پیشرفت نائل گشته‌اند. این موضوع به خودی خود تازگی ندارد. همیشه شرایط و میزان استعداد روحانی در مکان‌های مختلف متفاوت بوده است. با وجود این شاهد بسط شرایطی هستیم که در آن قابلیت، اعتماد به نفس، و تجارب اندوخته شده اکثر جوامع با نیرو گرفتن از موفقیت سایر جوامع بهائی چه دور و چه نزدیک در حال افزایش است. به عنوان مثال، نفوسی که در سال ۱۹۹۶ به منظور مهاجرت به محلّ جدیدی قیام می‌نمودند از شهامت، ایمان و خلوص کامل برخوردار بودند، اما امروزه هم‌تاهای آنان در همه جا همان صفات را با آموخته‌ها، بینش‌ها، و مهارت‌هایی توأم می‌نمایند که نتیجه بیست و پنج سال کوشش تمامی عالم بهائی در راه سیستماتیک نمودن و تلطیف فعّالیت‌های ترویج و تحکیم است.

یک جامعه صرف نظر از نقطه شروع، وقتی فرایند رشد را به پیش برده است که صفات ایمان، استقامت، و تعهد را با آمادگی برای یادگیری ادغام کرده است. یک میراث گرانمایه این سلسله نقشه‌ها در حقیقت وقوف به این نکته در سطحی گسترده است که هر کوششی برای پیشرفت با توجه به یادگیری شروع می‌شود. سادگی این نکته

نباید اهمیّت آن را پنهان کند. شک و تردیدی نداریم که هر محدوده جغرافیایی به مرور زمان در پیوستار توسعه پیشرفت خواهد کرد اما جوامعی که نسبت به جوامع دیگر با داشتن شرایط و امکانات مشابهی سریع تر پیشرفت نموده اند، آنان اند که توانایی ترویج وحدت نظر و توانایی یادگیری درباره عمل مؤثر را نشان داده اند. اینها جوامعی بودند که بی درنگ وارد میدان عمل شدند.

تعهد به یادگیری همچنین به معنای آمادگی برای قبول اشتباهات نیز بود و البته برخی از اوقات، اشتباهات ایجاد ناراحتی می کرد. جای تعجب نیست که در ابتدا به علت عدم تجربه، روش ها و رویکردهای جدید به نحوی ناشیانه به کار برده می شد و در بعضی مواقع یک قابلیت کسب شده جدید به خاطر مشغولیت جامعه برای دست یافتن به قابلیت دیگری به فراموشی سپرده می گشت. وجود حسن نیت تضمینی برای عدم پیش آمدن اشتباهات نیست و پشت سر گذاشتن آنها مستلزم تواضع و انقطاع است. وقتی در مقابل اشتباهاتی که طبیعتاً رخ می دهد جامعه ای مصمم باشد تا از خود بردباری نشان داده از آن درس بیاموزد، پیشرفت هیچگاه دور از دسترس نبوده است.

در اواسط این سلسله نقشه ها اشتغال جامعه در حیات اجتماع مورد توجه مستقیم بیشتری قرار گرفت. در این مورد احباً تشویق شدند که دو مجهود به هم مرتبط یعنی اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان های رایج در اجتماع را مد نظر قرار دهند. این دو البته جایگزینی برای کار ترویج و تحکیم نبودند تا چه رسد به انحراف از آن، در واقع این دو در ترویج و تحکیم مندمج می باشند. با افزایش منابع انسانی در یک جامعه، قابلیت جامعه برای عرضه کردن تعالیم حضرت بهاء الله در رابطه با چالش های روز، یعنی به منصفه ظهور رساندن آن تعالیم مبارکه، بیشتر می شود. امور نابسامان عالم در این دوره به خوبی نشان داد که نیاز نوع بشر به تجویز درمان پزشک الهی تا چه حد شدید و فوری است. در بطن همه این نکات، مفهومی از دین بود که با مفهوم رایج در سراسر جهان بسیار متفاوت می باشد، مفهومی که دین را به عنوان نیرویی پر قدرت و محرک پیشبرد مدنیّتی پیشرفته می داند. جامعه درک نمود که چنین مدنیّتی نیز خود به خود ظاهر نخواهد شد بلکه رسالت پیروان حضرت بهاء الله است که برای ظهور آن تلاش نمایند. یک چنین رسالتی مستلزم به کارگیری همان فرایند یادگیری سیستماتیک در زمینه اقدام اجتماعی و مشارکت در گفتمان عمومی است.

قابلیت مبادرت به اقدام اجتماعی از دیدگاه بیست و پنج سال اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته و موجب شکوفایی فوق العاده فعالیت ها گردیده است. در مقایسه با سال ۱۹۹۶ که هر ساله حدود دویست و پنجاه (۲۵۰) پروژه توسعه اجتماعی و اقتصادی در حال انجام بود این رقم اکنون به هزار و پانصد (۱,۵۰۰) رسیده و تعداد سازمان های ملهم از تعالیم بهائی به چهار برابر یعنی به متجاوز از صد و شصت (۱۶۰) افزایش یافته است. هر سال بیش از هفتاد هزار (۷۰,۰۰۰) ابتکار کوتاه مدت اقدام اجتماعی در سطح توده مردم انجام می شود که

افزایشی پنجاه برابر است. این جمع مشتاقانه امیدوار است که با حمایت و تشویق مجدانه سازمان توسعه بین‌المللی بهائی افزایشی مستمر در همه این مجهودات حاصل گردد. در این ضمن، مشارکت جامعه بهائی در گفتمان‌های رایج در اجتماع نیز به مراتب افزایش یافته است. علاوه بر فرصت‌های متعددی که احباً می‌توانند یک دیدگاه بهائی را در گفتگوهای شخصی خود یا در محیط کاری ارائه دهند، مشارکت منظم‌تر در گفتمان‌ها پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نموده است. منظور نظر ما نه تنها کوشش‌های بسیار گسترده و مجهودات پیچیده و فزاینده جامعه جهانی بهائی است که در این مدت دفاتر جدیدی در افریقا، آسیا، و اروپا تأسیس نمود، بلکه فعالیت شبکه‌ای توسعه یافته و مستحکم از دفاتر ملی امور روابط خارجی است که توجه عمده‌شان متمرکز بر مشارکت در گفتمان‌ها گشت. و رای این توفیقات، مشارکت خردمندانه و قابل ملاحظه آحاد احباً در زمینه‌های خاص است. نکات فوق مراتب احترام، تقدیر و تحسین متفکران و شخصیت‌های برجسته در تمام سطوح اجتماع را که به کرات از آیین بهائی، پیروان آن و اقدامات‌شان ابراز داشته‌اند تا حدی توجیه می‌نماید.

پیشرفت‌های متنوع دیگری که عالم بهائی در این دوره بیست و پنج‌ساله به آن نائل گشته موجب تحسین عمیق این مشتاقان است. حیات فکری جامعه بهائی نه تنها با پیشرفت‌هایش در همه زمینه‌های مجهودات فوق‌الذکر، بلکه با حجم تألیفات پرکیفیتی که توسط نویسندگان بهائی به چاپ رسیده، با توسعه فضاهایی که برای بررسی رشته‌هایی خاص در پرتو آثار بهائی به وجود آمده، و با تأثیرات سمینارهایی که برای دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه توسط مؤسسه مطالعات رفاه جهانی با همکاری مؤسسات امری به طور سیستماتیک ارائه شده و اکنون جوانان را در بیش از صد کشور در بر گرفته است نیز شکوفا گشت. مجهودات برای بنای مشارق اذکار به نحو بارزی سرعت یافته است. آخرین ام‌المعابد در سانتیاگو (Santiago)، شیلی (Chile) بنا گردید و پروژه‌های ساختمان دو مشرق‌الاذکار ملی و پنج مشرق‌الاذکار محلی نیز شروع شد و تا کنون مشرق‌الاذکار باتامبانگ (Battambang) در کامبوج (Cambodia) و نورت دل کائوکا (Norte del Cauca) در کشور کلمبیا (Colombia) افتتاح شده‌اند. مشارق اذکار بهائی چه جدید الا افتتاح و چه آنهایی که سابقاً بنا گردیده‌اند به نحو فزاینده‌ای جای خود را در کانون حیات جامعه می‌یابند. حمایت مالی آحاد مؤمنین برای هزاران مجهود در دست اجرای یاران الهی بی‌وقفه بوده است. اینکه سخاوت‌مندی و فداکاری در تقدیم تبرعات که در دورانی از بحران عمده اقتصادی نه تنها حفظ شد بلکه افزایش یافت معیاری بسیار گویا از شور و نشاط روحانی جمعی جامعه است. در عرصه نظم اداری بهائی قابلیت محافل روحانی ملی برای اداره امور جوامع خود با همه پیچیدگی‌های فزاینده‌اش به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. این محافل علی‌الخصوص از همکاری مضاعف با مشاورین قاره‌ای بهره برده‌اند، مؤسسه‌ای که در سیستماتیک نمودن جمع‌آوری بینش‌هایی از سطح مردمی در سراسر جهان و تضمین گسترش وسیع آن بسیار مؤثر است. همچنین در این دوره بود که شورای منطقه‌ای بهائی به عنوان یکی از مؤسسات امرالله به وجود آمد و در حال حاضر این شوراها و مؤسسات آموزشی تحت نظر آنها در دو بیست و سی (۲۳۰) منطقه

ضرورت حضور خود را برای پیشبرد فرایند رشد به اثبات رسانده‌اند. به منظور تداوم اجرا و گسترش وظایف امین برگزیده حقوق الله ایادی عزیز امر الله جناب علی محمد ورفا، هیئت بین‌المللی امنای حقوق الله در سال ۲۰۰۵ تأسیس گردید که امروز مجهودات بیش از سی و سه (۳۳) هیئت ملی و ناحیه‌ای امنای حقوق الله را در سراسر عالم هماهنگی می‌نماید و این هیئت‌ها نیز به نوبه خود خدمات بیش از یک هزار (۱,۰۰۰) نماینده حقوق الله را هدایت می‌کنند. پیشرفت‌هایی که در طی همین دوره در مرکز جهانی بهائی به وقوع پیوست بسیار است، از جمله اتمام بنای طبقات حول مقام مقدس اعلی و دو ساختمان قوس کرمل و اعلام شروع بنای مقام حضرت عبدالبهاء، به غیر از پروژه‌های متعددی که برای استحکام و حفاظت اماکن مقدسه امر الله انجام شده است. روضه مبارکه و مقام مقدس اعلی به عنوان میراث جهانی (UNESCO) و اماکنی بی‌نهایت ارزشمند برای بشریت شناخته و ثبت شد. صدها هزار و در بعضی از سال‌ها یک میلیون و نیم بازدیدکننده عمومی به این اماکن مقدسه رو آوردند. مرکز جهانی به طور مرتب از صدها زائر که تعدادشان برخی اوقات به پنج هزار (۵,۰۰۰) نفر در سال می‌رسید به اضافه تعداد مشابهی از مسافین بهائی استقبال نمود. افزایش تعداد و فراتر از آن کثرت تنوع ملیت‌های گوناگون که به موهبت زیارت فائز می‌گردند موجب سرور این جمع است. ترجمه، طبع و انتشار آثار مبارکه نیز بسیار سرعت یافته و به موازات آن، «کتابخانه آثار بهائی» که یکی از مهم‌ترین قسمت‌های مجموعه در حال رشد وب‌سایت‌های مربوط به Bahai.org می‌باشد توسعه یافته و اکنون در ده زبان در دسترس عموم است. دفاتر و نهادهای مختلفی در مرکز جهانی و در نقاط دیگر تأسیس شده‌اند تا فرایند یادگیری را که در عالم بهائی در زمینه‌های مختلف اقدامات در جریان است تقویت کنند. برادران و خواهران عزیز روحانی، این تفصیل بخشی است از آنچه ایمان شما به نفس مبارکی که مظلوم عالم بود به ثمر رسانده است. طنین کلمات مهیمن مولای محبوب را به یاد می‌آوریم وقتی که از شدت شور و شوق فریاد برآورد «ای بهاء الله چه کرده‌ئی».

*

اکنون توجه خود را از چشم‌انداز ربع قرن سرنوشت‌ساز به آخرین نقشه پنج‌ساله معطوف می‌داریم، نقشه‌ای که از بسیاری جهات با نقشه‌های گذشته کاملاً متفاوت بوده است. در این نقشه به بهائیان جهان توصیه نمودیم که از تمامی آموخته‌های بیست سال گذشته بهره گرفته آن را کاملاً به کار برند. موجب مسرت این مشتاقان است که امید ما در این مورد بیش از حد انتظار برآورده گردید و گرچه این جمع طبیعتاً از پیروان جمال قدم انتظار انجام اقدامات مهم را داریم ولی ماهیت توفیقات حاصله از مجهودات شایان و تلاش‌های فراوان آن عزیزان حقیقتاً هیجان‌انگیز بود و موفقیت‌های این نقشه، اوج توفیقات بیست و پنج سال بود.

این نقشه به خاطر دو سالگرد مبارک دوستمین سال میلاد که هر یک محرک جوامع محلی در سراسر جهان بود و نقشه را به سه قسمت تقسیم کرده بود علی‌الخصوص به یادماندنی است. جمع مؤمنین در مقیاسی بی‌سابقه و نسبتاً با سهولت، قابلیت از خود نشان دادند که مشارکت مردمان از تمامی اقشار اجتماع را در بزرگداشت حیات

مظهر ظهور الهی فراهم آورد. این قابلیت نشانه‌ای بارز از امری وسیع‌تر بود یعنی توانایی جهت بخشیدن به قوای عظیم روحانی برای پیشرفت امر الهی. نتایج مشارکت مدعوین چنان شکوهمند بود که در بسیاری از مناطق، امر الله را در سطح ملی از مرحله مجهولیت بیرون آورد. آمادگی روحانی چشمگیری برای پذیرش امر مبارک در محیط‌هایی غیرمنتظره و غیر قابل پیش‌بینی آشکار گردید. هزاران هزار نفر مفتون رویارویی با روح نیایشی شدند که امروزه خصیصه جوامع بهائی در همه جا می‌باشد. بینش امکاناتی که از بزرگداشت ایام متبرکه بهائی میسر می‌گردد گسترشی بسیار وسیع یافت.

دست‌آوردهای این نقشه صرفاً از نظر کمی، دست‌آوردهای تمام نقشه‌های قبل از سال ۱۹۹۶ را سریعاً تحت الشعاع قرار داد. در آغاز این نقشه قابلیت اداره اندکی بیش از صد هزار (۱۰۰,۰۰۰) فعالیت اساسی در هر مقطع زمانی وجود داشت، قابلیت‌هایی که ثمره بیست سال تشریک مساعی بود. اکنون سیصد هزار (۳۰۰,۰۰۰) فعالیت اساسی هم‌زمان در حال انجام است و تعداد شرکت‌کنندگان در آنها به بیش از دو میلیون افزایش یافته که رشدی نزدیک به سه برابر است. سیصد و بیست و نه (۳۲۹) مؤسسه آموزشی ملی و منطقه‌ای در حال فعالیت‌اند و قابلیت‌شان در این واقعیت نمایان است که هفتصد و پنجاه هزار (۷۵۰,۰۰۰) نفر قادر بوده‌اند حد اقل یک کتاب از کتاب‌های دوره‌های متسلسل را تکمیل نمایند. در مجموع تعداد دوره‌های تکمیل شده توسط افراد نیز هم‌اکنون دو میلیون است که افزایشی بیش از یک سوم در مدت پنج سال می‌باشد.

شدت فزاینده پیگیری برنامه‌های رشد در سراسر جهان، خود گویای حکایتی شگفت‌انگیز است. امید این جمع چنین بود که سرعت رشد آغاز شده در هر یک از پنج هزار (۵,۰۰۰) محدوده جغرافیایی در این پنج سال افزایش یابد. این ضرورت، مشوق و محرک سعی و کوششی بلیغ در سراسر جهان شد. در نتیجه تعداد برنامه‌های فشرده رشد بیش از دو برابر شد و هم‌اکنون تقریباً به چهار هزار (۴,۰۰۰) بالغ شده است. مشکلات شروع فعالیت در روستاها و محله‌های جدید در بحبوحه یک بحران بهداشتی عالم‌گیر و دشواری‌های افزایش فعالیت‌هایی که در زمان شروع بیماری جهان‌گیر هنوز نویا بود مانع از حصول ارقام بالاتری در آخرین سال نقشه گردید. ولی گفتنی‌ها بیش از این است. در آغاز نقشه ابراز امیدواری نمودیم که تعداد محدوده‌های جغرافیایی که در آن دوستان در نتیجه یاد گرفتن نحوه پذیرش تعداد کثیری در فعالیت‌هایشان از نماد سوم در مسیر یک پیوستار رشد گذشته بودند، به بیش از صدها افزایش یابد. در آن زمان شمار چنین محدوده‌هایی تقریباً دویست (۲۰۰) مورد و در حدود چهل (۴۰) مملکت گسترده بود. حال بعد از گذشت پنج سال این رقم به نحو شگفت‌انگیزی به یک هزار (۱,۰۰۰) عدد در قریب به صد (۱۰۰) کشور افزایش یافته، یعنی یک چهارم تمام برنامه‌های فشرده رشد در سراسر جهان که دست‌آوردی است به مراتب فراتر از انتظار این مشتاقان. ولی حتی این ارقام هم گویای اوج پیشرفتی که جامعه بدان دست یافته است نمی‌باشد. در بیش از سی (۳۰) محدوده جغرافیایی تعداد فعالیت‌های اساسی پایدار از یک هزار (۱,۰۰۰) فراتر رفته است. در بعضی نقاط شمار این فعالیت‌ها به چندین هزار با بیش از بیست هزار

(۲۰,۰۰۰) شرکت‌کننده در یک محدودهٔ جغرافیایی رسیده است. تعداد فزاینده‌ای از محافل روحانی محلی در حال حاضر بر بسط برنامه‌های آموزشی به خصوص برای کلیهٔ کودکان و نوجوانان یک روستا نظارت می‌کنند، و همین واقعیت در چند محلهٔ شهری هم در حال شکل‌گیری است. در مواردی قابل توجه، اشتغال به تأمل در آثار حضرت بهاء‌الله فراتر از افراد، خانواده‌ها، و خویشان رفته و آنچه مشاهده می‌شود حرکت جمعیت‌ها به سوی مرکزی مشترک می‌باشد. در مواردی عداوت‌های دیرینه میان گروه‌های معاند پشت سر گذاشته شده و بعضی از ویژگی‌ها و ساختارهای اجتماعی در پرتو تعالیم الهی تقلیب می‌شود.

مشاهدهٔ چنین پیشرفت‌های برجسته‌ای موجب سرور موفور این مشتاقان است. نیروی اجتماع‌سازی امر حضرت بهاء‌الله با وضوحی هر چه بیشتر در حال بروز است و این پایهٔ متینی است که نقشهٔ نه‌ساله بر روی آن بنا خواهد شد. همان‌طور که امید می‌رفت محدوده‌های جغرافیایی توانمند نشان داده‌اند که گنجینه‌ای از یادگیری‌ها و ذخیره‌ای از منابع برای محدوده‌های جغرافیایی همسایهٔ خود می‌باشند. مناطقی که دارای بیش از یکی از این محدوده‌ها بوده‌اند آسان‌تر توانسته‌اند امکانات سرعت بخشیدن به رشد را در هر محدوده، یکی بعد از دیگری، فراهم سازند. لازم می‌دانیم مجدداً تأکید نماییم که این پیشرفت تقریباً عمومی بوده و تفاوت پیشرفت از یک نقطه تا نقطهٔ دیگر فقط در میزان آن است. درک جمعی جامعه از فرایند دخول افواج و اطمینانش به اینکه توانایی تحرک بخشیدن به این فرایند را تحت هر شرایطی دارا می‌باشد به حدی افزایش یافته که در دهه‌های پیشین قابل تصور نبود. عالم بهائی به سؤالات عمیقی که مدت‌ها مطرح بود و در سال ۱۹۹۶ مورد توجه دقیق قرار گرفت به نحو قانع‌کننده‌ای پاسخ داده است. اکنون نسلی از مؤمنین موجودند که اثرات پیشرفت جامعه در تمامی طول حیات‌شان مشهود است. اما حد بسیار بالای ترقیات حاصله در محدوده‌های جغرافیایی که در آنها مرزهای یادگیری در حال گسترش‌اند، پیشرفت قابل ملاحظهٔ فرایند دخول افواج را به واقعه‌ای عظیم با ابعادی تاریخی مبدل نموده است.

بسیاری از احبای الهی با روش حضرت ولی‌ام‌الله که چگونه اعصار امر الله را به عهدهای متوالی تقسیم‌بندی نمودند آشنایی دارند. پنجمین عهد عصر تکوین در سال ۲۰۰۱ آغاز شد. آنچه کمتر شناخته شده است اشارهٔ خاص هیکل مبارک به عهدهایی مرتبط با نقشهٔ ملکوتی و مراحل مندمج در آنها است. نقشهٔ ملکوتی حضرت عبدالبهاء که برای دو دهه، دورانی که نهادهای محلی و ملی نظم اداری تأسیس و تقویت می‌گشت، در بوتۀ تعویق مانده بود، در سال ۱۹۳۷ با آغاز اولین مرحله از اولین عهدش یعنی نقشهٔ هفت‌ساله که توسط حضرت ولی‌ام‌الله به جامعهٔ بهائی امریکای شمالی محوّل شد، رسماً افتتاح گردید. این عهد اول بعد از اختتام جهاد کبیر اکبر در سال ۱۹۶۳ که منتج به افراشتن رایت امر الله در سراسر جهان شده بود به پایان رسید. عهد دوم با شروع اولین نقشهٔ نه‌ساله آغاز شد و ده نقشهٔ دیگر را به دنبال داشت، نقشه‌هایی که طول‌شان از دوازده ماه تا هفت سال بود. در ابتدای این عهد دوم، عالم بهائی بدایت دخول افواج را که توسط بانی نقشهٔ ملکوتی پیش‌بینی شده بود

مشاهده می‌نمود. در دهه‌های بعدی نسل‌هایی از مؤمنین باوفای جامعه‌ی اعظم در تانگستان الهی سعی بلیغ نمودند تا شرایط مورد نیاز را برای رشدی پایدار در مقیاسی وسیع فراهم آورند. و چه فراوان است ثمرات آن مساعی در این خجسته ایام رضوان. پدیده‌ی شرکت تعدادی کثیر در فعالیت‌های رو به فزون جامعه که قلب‌شان را بارقه‌ی ایمان روشن کرده و سریعاً قیام به خدمت در صف مقدم نقشه می‌نمایند از یک پیش‌بینی مبتنی بر ایمان به واقعیتی مکرر تبدیل شده است. چنین پیشرفت بارز و مشهودی شایسته‌ی ثبت در تاریخ امر الهی می‌باشد. با قلوبی سرشار از شمع، این مشتاقان شروع سوّمین عهد نقشه‌ی ملکوتی حضرت عبدالبهاء را اعلام می‌داریم. نقشه‌ی ملکوتی آن حضرت مرحله به مرحله و عهد به عهد بسط و توسعه خواهد یافت تا آنکه انوار ملکوت، قلوب را منور سازد.

*

یاران محبوب، بررسی مشروع روحانی پنج‌ساله‌ای که عهد دوم نقشه‌ی ملکوتی را به پایان رساند بدون اشاره‌ای خاص به تلاطمات آخرین سال آن که هنوز هم ادامه دارد کامل نخواهد بود. محدودیت‌های تعاملات فردی که در بیشتر کشورها در این دوره با شدت و ضعف اعمال گردیده می‌توانست ضربه‌ای محکم بر کوشش‌های جمعی جامعه وارد آورد، ضربه‌ای که جبران آن شاید سال‌ها به طول می‌انجامید. به دو دلیل چنین نشد، اول آگاهی گسترده در سطح جامعه نسبت به وظایف بهایان برای خدمت به نوع بشر به خصوص در مواقع بحرانی و پرمشقت و دوم افزایش فوق‌العاده قابلیت عالم بهائی در جلوه‌گر ساختن آن آگاهی. دوستان که طی سالیان متمادی به تطبیق الگوهای سیستماتیک فعالیت مانوس شده بودند خلّاقیت و حس هدفمندی خود را برای مقابله با بحرانی غیر قابل پیش‌بینی به منصفه ظهور رساندند به نحوی که رویکردهای نوین‌شان منسجم با چارچوبی بود که برای اکمالش متحمل زحمات بسیار در طی نقشه‌های متوالی شده بودند. این به معنای نادیده انگاشتن سختی‌های جان‌فروسی نیست که بهایان مانند هموطنان‌شان در هر سرزمینی متحمل شده‌اند ولی احبباً با وجود مشکلات شدید تمرکز خود را حفظ نموده‌اند. منابع موجود صرف جوامع نیازمند گشته است، انتخابات حتی الامکان انجام شده است، و مؤسّسات امر الله در جمیع شرایط به ایفای وظایف خود ادامه داده‌اند. حتی گام‌های دلاورانه‌ای نیز برداشته شده است. محفل روحانی ملی سائوتومه و پرنسپ (São Tomé and Príncipe) در این رضوان دوباره تأسیس خواهد شد و دورکن جدید بیت العدل اعظم مرتفع خواهد گشت: محفل روحانی ملی کرواسی (Croatia) که مقرّش در شهر زاگرب (Zagreb) است و محفل روحانی ملی تیمور شرقی (Timor-Leste) با مقرّ خود در شهر دیلی (Dili).

بدین ترتیب نقشه‌ی یک‌ساله آغاز می‌شود. هدف و ملزومات این نقشه قبلاً در پیام یوم عهد و میثاق این جمع مشخص شده است. این نقشه هرچند کوتاه ولی برای آماده‌سازی عالم بهائی برای نقشه‌ی نه‌ساله‌ای که در پیش است کافی خواهد بود. دورانی مشحون از قوای روحانی که صد سال بعد از نزول الواح نقشه‌ی ملکوتی آغاز شد به زودی با یک‌صدمین سال صعود حضرت عبدالبهاء که نقطه‌ی اختتام قرن اول عصر تکوین است و شروع قرن دوم آن

عصر را رقم می‌زند به پایان می‌رسد. مؤمنین باوفای جمال قدم این نقشه جدید را در زمانی شروع می‌کنند که نوع بشر با آشکار شدن آسیب‌پذیریش متنبه گشته و از احتیاج به مساعدت و همکاری برای مواجهه با مشکلات جهانی آگاه‌تر به نظر می‌رسد. البته علیرغم افزایش تعداد افرادی در اجتماع که قولاً و عملاً اشتیاق بیشتری برای قبول وحدت اصلیه نوع بشر نشان می‌دهند، عادات دیرینه رقابت، منفعت‌طلبی، تعصب و کوتاه‌نظری همچنان حرکت به سوی وحدت را مانع می‌شود. دعای این جمع آنست که ملل عالم به خاطر خیر عموم موفق به چشم‌پوشی از اختلافاتشان گردند. از حضرت بهاءالله مزید تأییدات مستمری را که به پیروانش طی سالیان متمادی مبدول داشته سائلیم تا بتوانید علیرغم ابهامات موجود نسبت به آنچه در ماه‌های آینده در پیش است رسالت خود را با وقار و آرامش ادامه داده از اغتشاشات عالم بشری که بیش از همیشه محتاج پیام شفابخش آن حضرت می‌باشد مضطرب نگردید.

نقشه ملکوتی اکنون وارد عهدی نوین و مرحله‌ای جدید می‌شود و فصل جدیدی آغاز گشته است.

[امضا: بیت العدل اعظم]